

ابزارهای مالی پیچیده

دکتر محسن دستگیر

دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز

سیدعلی واعظ

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز



چکیده

مالی موسوم به ابزارهای پیوندی زمینه‌سازی شد و به طور طبیعی به دنبال آن نیاز به ایجاد روش‌های مناسب حسابداری برای گزارش‌گری چنین ابزارهایی احساس می‌شود. در همین رابطه فعالیت‌های متفاوتی انجام شد که می‌توان به صدور بیانیه TR۶۷۷ در سال ۱۹۸۷ و پس از آن به صدور بیانیه FRED۳ در سال ۱۹۹۲ توسط هیأت استانداردهای حسابداری (ASB) اشاره کرد. هم‌چنین هیأت مذکور در سال ۱۹۹۳ استاندارد گزارش‌گری مالی شماره ۴ (FRS۴) را تحت عنوان ابزارهای سرمایه‌ارایه کرد. پس از انتشار استاندارد شماره ۴ گزارش‌گری مالی در سال مذکور سؤالات زیادی در ارتباط با تفاوت و تمایز بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام مطرح شد که هیأت استانداردهای حسابداری تلاش وافر کرد که مسأله تمایز مذکور را مورد کنکاش و بررسی قرار داده و به طور ویژه‌ای سعی کرد به طبقه‌بندی ابزارهایی که هم دارای خصوصیت بدهی و هم دارای خصوصیت‌های حقوق صاحبان سهام هستند، پردازد و هم‌چنین سعی داشت این بررسی در سطح یک مفهوم بین‌المللی انجام شود. در حال حاضر هیأت تدوین استانداردهای حسابداری مالی FASB تلاش می‌کند که برای ابزارهای مالی پیچیده،

در این مقاله کوشش شده است تا برخی از ابزارهای مالی مورد استفاده مدیریت شرکت‌ها مانند ابزارهای مالکیت، ابزارهای بدهی، ابزارهای مالی مشتقه و ابزارهای ترکیبی معرفی شود و استانداردهای مربوطه آنان مورد اشاره یا بحث قرار گیرد. مثلاً در این رابطه می‌توان از بیانیه TR۶۷۷ در سال ۱۹۸۷ و به دنبال آن انتشار بیانیه FRED۳ در سال ۱۹۹۲ توسط هیأت استانداردهای حسابداری نام برد. متعاقباً این هیأت، استاندارد گزارش‌گری مالی شماره ۴ (FRS۴) را در سال ۱۹۹۳ تحت عنوان ابزارهای سرمایه‌مطرح کرد. هم‌چنین در بخش دیگر این مقاله نحوه ارزیابی و گزارش‌گری این ابزارهای مالی مطرح می‌شوند.

مقدمه

از دهه‌ای قبل ابزارهای مالی مورد استفاده شرکت‌ها به طور مستمر پیچیده‌تر می‌شوند و از سال ۱۹۸۷ به بعد یعنی از زمانی که به نظر می‌رسید راه‌های تأمین مالی خارج از ترازنامه به طور تدریجی بسته می‌شوند، این مسأله تشدید شده است. متعاقب این وضعیت پیش آمده، اسباب فراهم‌سازی تعدادی از ابزارهای



استانداردهای لازم را تدوین و ارایه کند که تاکنون این تلاش دستاوردی نداشته و تنها بیانییهایی در این رابطه ارایه و منتشر شده است.

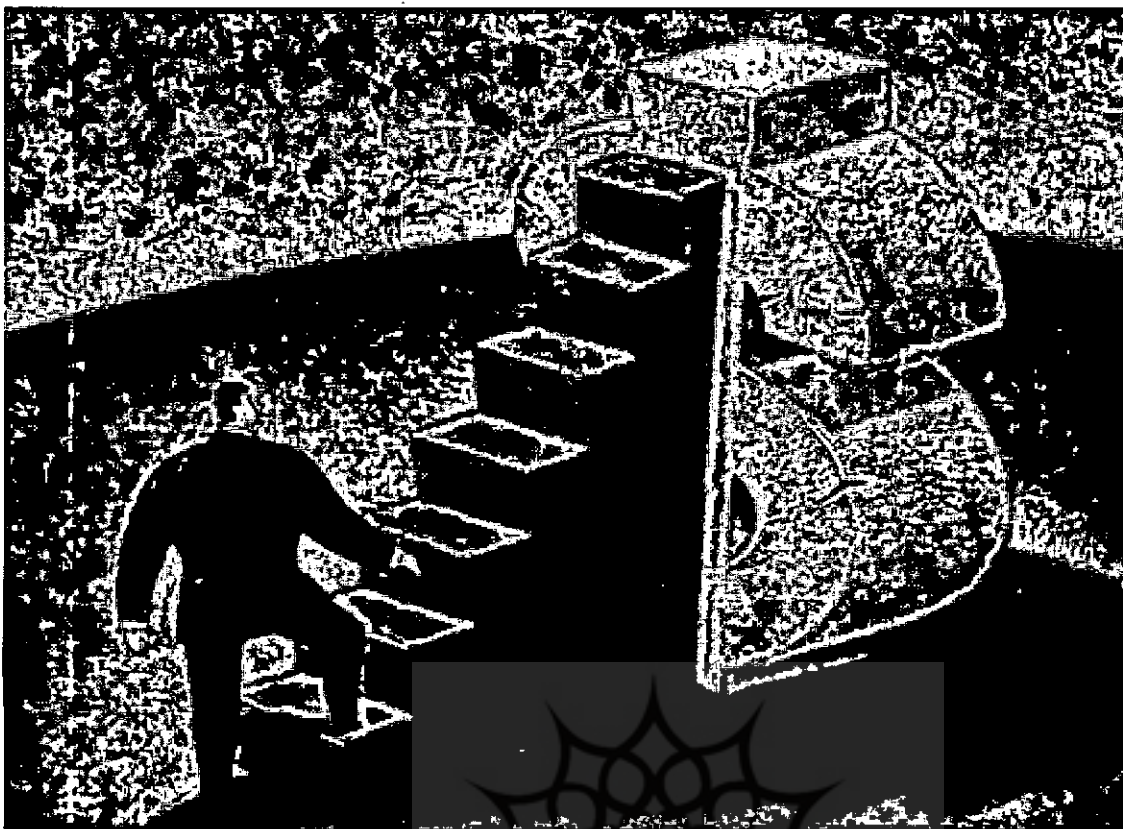
ابزارهایی که می‌توان از آنان به عنوان ابزارهای مالی پیچیده نام ببریم، عبارتند از: ابزارهای مالکیت - مانند سهام عادی که خرید آن به منزله مالکیت بخشی از شرکت می‌باشد. ابزارهای بدهی - مانند اوراق قرضه (در ایران اوراق مشارکت) که صدور آن توسط شرکت موجب ایجاد بدهی ولی یک ابزار تأمین مالی محسوب می‌شود.

ابزارهای مشتقه - مانند اختیار خرید و اختیار فروش سهام، قراردادهای معاوضه ابزارهای پیوندی - مانند اوراق قرضه‌هایی که بهره و یا اصل مبلغ اسمی آن‌ها و یا هر دو به شاخص‌های عمومی قیمت‌ها گره خورده باشد.

تعیین ارزش ابزارهای مالی نحوه گزارشگری ابزارهای مالی: تعیین ارزش ابزارهای مالی: تمایل به سمت ارایه ارزش منصفانه ارقام در ترازنامه و گزارش تغییرات حاصله در ارزش منصفانه در صورت سود و زیان، دیدگاهی است که در سال‌های اخیر توسط متفکران و صاحب‌نظران در خصوص تعیین ارزش دارایی‌ها و بدهی‌ها پیشنهاد شده است. این صاحب‌نظران در

پیشنهاد خود به ابزارهای مالی توجه خاصی کرده و تعیین ارزش منصفانه آنان را که به طور روزافزون پیچیده‌تر می‌شوند، مورد اشاره قرار می‌دهند و نتیجه‌گیری می‌کنند که اولین قدم حسابداری در این

”
از دهه‌های قبل ابزارهای مالی مورد استفاده شرکت‌ها به طور مستمر پیچیده‌تر می‌شوند و از سال ۱۹۸۷ به بعد یعنی از زمانی که به نظر می‌رسید راه‌های تأمین مالی خارج از ترازنامه به طور تدریجی بسته می‌شوند، این مسأله تشدید شده است.“



راستا، تعیین ارزش منصفانه آنان است.

افشای ریسک

صورت‌های مالی وسیله گزارش‌گری اطلاعات شرکت‌ها هستند و واحدهای تجاری باید به وسیله صورت‌های مالی اطلاعاتی را افشا کنند که استفاده‌کنندگان قادر شوند به ارزیابی اهداف شرکت‌ها، خط‌مشی‌ها و استراتژی‌های نگاه‌داری و انتشار ابزارهای مالی بپردازند. هم‌چنین این اطلاعات خاص، استفاده‌کنندگان را قادر سازد تا بتوانند ارزیابی‌های زیر را انجام دهند:

استفاده‌کنندگان باید بتوانند تصویر ریسک شرکت را برای هر یک از ریسک‌های مالی اساسی که در رابطه با ابزارهای مالی و قراردادهای کالا با ویژگی‌های مشابه به وجود می‌آیند، ارزیابی کنند.

استفاده‌کنندگان اهمیت چنین ابزارها و قراردادهایی را در وضعیت مالی گزارش شده شرکت‌ها، عملکرد و جریان‌ات نقدی آنان مورد ارزیابی قرار دهند، صرف‌نظر از این‌که آیا ابزارها و قراردادهای درون ترازنامه‌ای (شناسایی شده) یا برون ترازنامه‌ای (شناسایی نشده) هستند.

در همین ارتباط به نظر می‌رسد افشاهای کیفی و کمی شرکت‌ها لازم و ضروری است. افشاهای کیفی به تبیین و تشریح نقش ابزارهای مالی در ایجاد با

نحوه گزارش‌گری ابزارهای مالی:

باتوجه به اهمیت ابزارهای مالی، در ارتباط با نحوه گزارش‌گری آنان باید به دو موضوع با اهمیت زیر توجه شود:

ساختار سرمایه

افشای ریسک

ساختار سرمایه

چنان‌چه در یک شرکت از ابزارهای مالکیت و ابزارهای بدهی استفاده شده باشد، می‌توان گفت که شرکت مذکور دارای ساختار ساده سرمایه است و چنان‌چه در شرکتی علاوه بر ابزارهای مالکیت و ابزارهای بدهی که معمولاً همه شرکت‌ها از آن‌ها بهره‌مند هستند، از ابزارهای مشتقه و ابزارهای ترکیبی استفاده کنند، می‌توان گفت که این شرکت دارای ساختار پیچیده سرمایه است.

در این میان باید به مسأله نحوه گزارش‌گری ابزارهای ترکیبی باتوجه به ویژگی خاصی که از آن برخوردار هستند و می‌توانند دو شاخص و نسبت بسیار مهم سود هر سهم و اهرم مالی را تحت تأثیر قرار دهند، توجه خاصی مبذول شود.

سهام نیستند، اگر برای انتقال دادن منافع اقتصادی باعث ایجاد تعهد شوند، باید به عنوان بدهی‌ها گزارش شوند.

د) ابزارهای مالی که سهام یا گواهی‌نامه حق خرید سهام نیستند و موجب هیچ‌گونه تعهدی برای انتقال منافع نیستند، باید در قسمت حقوق صاحبان سهام آورده شوند، مگر این‌که توسط شرکت فرعی صادر شده باشند که در این صورت باید تحت عنوان منافع اقلیت گزارش شوند.

در ارتباط با گزارش‌گری ماهیت معاملات بدین معنا که آیا گزارشات مالی باید ماهیت معاملات را افشا کنند یا خیر، به‌خصوص در شرایط پیچیده‌ای که الزامات فوق به آنان اشاره کرده است، بین استانداردهای FRS شماره ۴ و FRS شماره ۵ تقابل و اختلاف نظر وجود دارد.

هم‌چنین درخصوص به‌کارگیری الزامات فوق‌الذکر موضوعی که بیشتر مطرح می‌شود این است که چه مواردی باعث ایجاد تعهد برای انتقال منافع اقتصادی می‌شوند و باید مورد توجه قرار گیرند؟

در پاسخ به سؤال ذکر شده بالا، پاراگراف ۷۲ استاندارد شماره ۴ FRS عنوان می‌کنند که تعهداتی که در رابطه با انتقال منافع اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرند، آن‌هایی‌اند که مرتبط و در انطباق با فرض تداوم فعالیت هستند و در همین رابطه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

تعهداتی که می‌توان آنان را به وسیله ابزارهای مالی تصفیه کرد. برخی از ابزارهای مالی صادرکننده آنان را متعهد به ایجاد بدهی یا انتشار سهام می‌کنند در فرآیند طبقه‌بندی نحوه برخورد با چنین مواردی، موضوع دیگری است که باعث تمایز و تقابل FRS شماره ۴ و FRS شماره ۵ شده است.

احتمال‌های تجاری خالصی که در رابطه با انجام توافق

تغییر ریسک‌هایی می‌پردازد که شرکت‌ها با آنان مواجه می‌شوند که عبارتند از اهداف، خط مشی و سیاست‌های شرکت‌ها در استفاده از ابزارهای مالی برای مدیریت ریسک‌های مذکور.

افشاهای کمی در ارتباط با نمایش و توصیف اهداف و سیاست‌های اجرا شده در طی دوره می‌باشند و اطلاعات تکمیلی را جهت ارزیابی افشاهای مهم و قابل توجه فراهم می‌کنند.

استاندارد FRS شماره ۴ افشا و گزارش‌گری کلیه ابزارهای مالی را در یکی از طبقات زیر الزامی کرده است:

بدهی‌ها

حقوق صاحبان سهام

در قسمت حقوق اقلیت صورت‌های مالی تلفیقی

در همین ارتباط ذکر نکات زیر ضروری است:

۱- در صورت‌های مالی مؤسسات انفرادی (تک مالکی):

ابزارهای مالی که دربرگیرنده سهام یا گواهی‌نامه حق خرید سهام نیستند، در صورتی که باعث ایجاد تعهدی برای انتقال منافع اقتصادی باشند به عنوان بدهی در نظر

گرفته و در این طبقه از ترازنامه گنجانده می‌شوند و سایر ابزارهای مالی نیز باید در قسمت حقوق صاحبان سرمایه گزارش شوند.

۲- در صورت‌های مالی تلفیقی:

الف) سهام و گواهی‌نامه حق خرید سهام چنانچه توسط شرکت مادر (اصلی) صادر شده باشد باید در بخش حقوق صاحبان سهام گنجانده شود.

ب) سهام صادر شده توسط شرکت فرعی، چنانچه دربردارنده تعهدی برای انتقال منافع اقتصادی مرتبط با ابزارهای مالی باشد، باید در گروه بدهی‌ها تلقی شده و گواهی‌نامه و

سایر سهام صادر شده توسط شرکت فرعی هم باید به عنوان منافع اقلیت گزارش شوند.

ج) ابزارهای مالی که سهام یا گواهی‌نامه حق خرید

در حال حاضر هیأت تدوین استانداردهای حسابداری مالی FASB تلاش می‌کند که برای ابزارهای مالی پیچیده، استانداردهای لازم را تدوین و ارائه کند که تاکنون این تلاش دستاوردی نداشته و تنها بیانیه‌هایی در این رابطه ارائه و منتشر شده است.

چنانچه در یک شرکت از ابزارهای مالکیت و ابزارهای بدهی استفاده شده باشد، می‌توان گفت که شرکت مذکور دارای ساختار ساده سرمایه است و چنانچه در شرکتی علاوه بر ابزارهای مالکیت و ابزارهای بدهی که معمولاً همه شرکت‌ها از آن‌ها بهره‌مند هستند، از ابزارهای مشتقه و ابزارهای ترکیبی استفاده کنند، می‌توان گفت که این شرکت دارای ساختار پیچیده سرمایه است.

مالی در قسمت حقوق صاحبان سهام به نکات زیر توجه شود. یک ابزار مالی در صورت وجود شرایط زیر باید در قسمت حقوق صاحبان سهام صورت‌های مالی واحدهای تجاری گزارش شود: چنانچه ابزار مالی موردنظر سهام یا گواهی‌نامه حق خرید سهام باشد.

چنانچه ابزار مالی موردنظر دربرگیرنده تعهدی برای انتقال منافع اقتصادی نباشد. غیر از این دو مورد سایر ابزارهای مالی به عنوان بدهی در صورت‌های مالی واحدهای تجاری گزارش شوند. در این جا به ذکر مثال‌هایی درباره ابزارهای مالی که سهام نیستند و دربرگیرنده تعهدات قانونی برای انتقال منافع اقتصادی هستند می‌پردازیم: الف) تعهداتی که برای پرداخت کردن کوپن یا پرداخت‌های بازخرید ایجاد می‌شود، حتی اگر این پرداخت‌ها منوط به سودهای آتی باشند.

ب) تعهداتی که برای تصفیه سهام ممتاز ایجاد می‌شود، البته اگر آن سهام دربرگیرنده تعهد برای انتقال منافع اقتصادی باشند.

ج) هرگونه ضمانت و یا جبران خسارت در ارتباط با عواید فروش سهامی که به عنوان وسیله اولیه برای تصفیه یک ابزار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

آخرین نکته قابل ذکر در ارتباط با ابزارهای مالی، ابزارهایی هستند که توسط واحد فرعی صادر و می‌شود گفت که یک سهام صادرشده توسط یک واحد فرعی، باید به عنوان منافع اقلیت در صورت‌های مالی مدنظر قرار گیرند.

انواع اوراق پیوند خورده به شاخص

یکی از ابزارهای مالی، ابزارهای پیوندی است که در این جا به نکات قابل بحث اوراق قرضه پیوند خورده به شاخص به عنوان یک ابزار پیوندی اشاره می‌کنیم. اوراق قرضه پیوند خورده شاخص خود به حالت‌های زیر تفکیک می‌شود:

فقط بهره به شاخص پیونده خورده است.

در مورد اختیار برای صدور اوراق قرضه وجود دارد یا خیر که شامل موارد زیر است:

الف) چنانچه احتمال تجاری خالص در رابطه با وجود توافق برای اختیار برای صدور اوراق قرضه وجود نداشته باشد، باید ابزار مالی مانند یک بدهی مورد استفاده قرار گیرد.

ب) چنانچه در مورد عدم توافق اختیار برای صدور اوراق قرضه، هیچ نوع احتمال تجاری خالصی وجود نداشته باشد، این ابزار باید به عنوان حقوق صاحبان سهام مورد استفاده قرار گیرد.

در همین ارتباط باید به این نکته اشاره شود که هنگامی که از حجم و تعداد اوراق قرضه‌ای که لازم است برای تصفیه یک تعهد صادر شود اطمینان معقولی وجود ندارد، سؤالی که پیش می‌آید این است

که آیا شرکت قدرت و توانایی صدور اوراق قرضه مورد نیازش را دارد یا خیر و چون با مسأله عدم قطعیت مواجه هستیم باید مینا را بر حداکثر اوراق قرضه‌ای که ممکن است نیاز به صدور داشته باشد، بگذاریم.

شرایطی که به موجب آن یک ابزار مالی در صورت‌های مالی یک شرکت بدون واحد فرعی در قسمت حقوق صاحبان سهام گزارش شود، چیست؟ در این رابطه در استاندارد FRS شماره ۴ موارد زیر ذکر شده است:

طبق استاندارد مذکور صرفنظر از سهام و گواهی‌نامه حق خرید سهام، در قسمت حقوق صاحبان سهام صورت‌های مالی واحدهای تجاری بدون شرکت فرعی تنها آن گروه از ابزارهای مالی باید گزارش شوند که دربردارنده تعهد برای انتقال منافع اقتصادی نیستند. FRS شماره ۴ تصریح می‌کند که سهام صادر شده به وسیله یک واحد فرعی چنانچه تعهدی برای انتقال منافع اقتصادی ایجاد می‌کند، باید یک نوع بدهی قلمداد شود.

لازم به نظر می‌رسد که در مورد انعکاس یک ابزار

” در ارتباط اوراق قرضه‌ای که فقط بهره آن به شاخص پیوند خورده است، می‌توان از نرخ پیشنهادی بین بانکی لندن (LIBOR) به عنوان شاخص مناسب برای تعدیل پرداخت‌های پایان هر دوره استفاده کرد.

” تمایل به سمت ارایه ارزش منصفانه اقلام در ترازنامه و گزارش تغییرات حاصله در ارزش منصفانه در صورت سود و زیان، دیدگاهی است که در سال‌های اخیر توسط متفکران و صاحب‌نظران در خصوص تعیین ارزش دارایی‌ها و بدهی‌ها پیشنهاد شده است.

در پایان هر دوره استفاده کرد. برای مثال فرض کنید شرکت بتا در اول ژانویه ۲۰۰۳ اوراق قرضه‌ای ۴ ساله به مبلغ یک میلیون پوند صادر می‌کند و ارزش دفتری اوراق در پایان هر سال مطابق با افزایش و کاهش شاخص قیمت خرده‌فروشی تعدیل می‌شود. در اول ژانویه ۲۰۰۳ شاخص قیمت خرده‌فروشی برابر با عدد ۱۰۰ می‌باشد و در سال‌های ۲۰۰۳ الی ۲۰۰۶، شاخص مذکور به ترتیب اعداد ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۵ و ۱۱۹ شد. سررسید اوراق در پایان سال ۲۰۰۶ و نرخ بهره سالانه اوراق مذکور ۴٪ است. باتوجه به اطلاعات فوق هزینه‌های تأمین مالی و اصل مبلغ بدهی در ابتدا و پایان هر سال را، محاسبه کنیم.

(ارقام به هزار پوند)

سال منتهی به	سال بدهی	مبلغ بدهی	وجه پرداخت شده	مبلغ بدهی	قیمت خرید/فروشی
۲۰۰۳/۱۲/۳۱	۲۰۰۳	۱۰۰۰	۹۰	۱۰۵۰	۱۰۵
۲۰۰۴/۱۲/۳۱	۲۰۰۴	۱۰۵۰	۷۰	۱۰۸۰	۱۰۸
۲۰۰۵/۱۲/۳۱	۲۰۰۵	۱۰۸۰	۱۱۰	۱۱۵۰	۱۱۵
۲۰۰۶/۱۲/۳۱	۲۰۰۶	۱۱۵۰	۸۰	۱۲۳۰	۱۱۹

(مانده بدهی ابتدای سال - مانده بدهی پایان سال) +
[مانده بدهی ابتدای سال انتشار] نرخ بهره سالانه =
هزینه تأمین مالی

- در ارتباط با اوراق قرضه‌ای که هم اصل و هم بهره اوراق به شاخص پیوند خورده است، از شاخص قیمت خرده‌فروشی و بهره LIBOR + ۲٪ به طور توأم استفاده می‌شود.

برای مثال فرض کنید شرکت گاما در اول ژانویه ۲۰۰۳ اوراق قرضه‌ای ۴ ساله به مبلغ یک میلیون پوند صادر می‌کند که نرخ بهره آن معادل LIBOR + ۲٪ است و اصل مبلغ هر سال مطابق با شاخص قیمت خرده‌فروشی تعدیل می‌شود. باتوجه به تغییرات LIBOR و شاخص قیمت خرده‌فروشی و سایر اطلاعات داده شده اکنون می‌خواهیم هزینه تأمین مالی سالانه را محاسبه کنیم. فرض شود شاخص قیمت خرده‌فروشی در ابتدای سال ۲۰۰۳ عدد ۱۰۰ و در پایان سال‌های ۲۰۰۳ الی ۲۰۰۶ به ترتیب اعداد ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۵ و ۱۱۹ است.

(ارقام به هزار پوند)

سال منتهی به	سال بدهی	مبلغ بدهی	وجه پرداخت شده	مبلغ بدهی	قیمت خرید/فروشی
۲۰۰۳/۱۲/۳۱	۲۰۰۳	۱۰۰۰	۹۰	۱۰۵۰	۱۰۵
۲۰۰۴/۱۲/۳۱	۲۰۰۴	۱۰۵۰	۸۰	۱۰۸۰	۱۰۸



فقط اصل به شاخص پیونده خورده است.

هم اصل و هم بهره به شاخص پیونده خورده است. - در ارتباط اوراق قرضه‌ای که فقط بهره آن به شاخص پیوند خورده است، می‌توان از نرخ پیشنهادی بین بانکی لندن (LIBOR) به عنوان شاخص مناسب برای تعدیل پرداخت‌های پایان هر دوره استفاده کرد. برای مثال فرض کنید شرکت آلفا در اول ژانویه ۲۰۰۳ اوراق قرضه‌ای ۴ ساله به مبلغ یک میلیون پوند صادر می‌کند که نرخ بهره آن معادل LIBOR + ۲٪ (نرخ بهره پایه بدون ریسک + صرف ریسک) است. باتوجه به تغییرات LIBOR مطلوب است محاسبه هزینه‌های تأمین مالی شرکت مذکور

(ارقام به هزار پوند)

سال منتهی به	سال بدهی	مبلغ بدهی	وجه پرداخت شده	مبلغ بدهی	LIBOR
۲۰۰۳/۱۲/۳۱	۲۰۰۳	۱۰۰۰	۹۰	۱۰۰۰	۲٪
۲۰۰۴/۱۲/۳۱	۲۰۰۴	۱۰۰۰	۸۰	۱۰۰۰	۲٪
۲۰۰۵/۱۲/۳۱	۲۰۰۵	۱۰۰۰	۶۰	۱۰۰۰	۲٪
۲۰۰۶/۱۲/۳۱	۲۰۰۶	۱۰۰۰	۱۱۰	۱۰۰۰	۲٪

(مانده بدهی ابتدای سال) = LIBOR + ۲٪ = هزینه تأمین مالی

- در ارتباط با اوراق قرضه‌ای که فقط اصل آن به شاخص پیوند خورده است، می‌توان از شاخص قیمت خرده‌فروشی (RPI) جهت تعدیل ارزش دفتری وام



پایان تاریخ سررسید ارزش بدهی صفر ریال می شود. برای مثال: فرض کنید در اول ژانویه ۲۰۰۳ شرکت تا اوراق قرضه‌ای ۴ ساله به مبلغ یک میلیون پوند صادر می کند. این بدهی در تاریخ سررسید غیرقابل بازپرداخت می باشد و پرداخت‌های بهره به نرخ ۳۰٪ برای چهار سال اول پس از انتشار انجام می شود و پس از این دوره ۴ ساله هیچ بهره دیگری پرداخت نمی شود، با توجه به اطلاعات فوق می خواهیم هزینه‌های تأمین مالی سالانه را محاسبه کنیم.

(ارقام به هزار پوند)

74	115	1150	60	130	1000	200000000
78	119	-	1200	110	1100	700000000

(مانده بدهی ابتدای سال - مانده بدهی پایان سال) +
 [مانده بدهی ابتدای سال انتشار (LIBOR + ۲٪)] = هزینه تأمین مالی

بدهی دائمی

برای بدهی‌های ثابت، معمولاً یک نرخ بهره نسبتاً قابل توجهی برای چند سال اول پرداخت می شود و پس از آن هیچ بهره‌ای به بستانکاران پرداخت نمی شود و در صورتی که دارنده این بدهی‌ها نتوانند شرکت قرض گیرنده را ملزم به پرداخت مبلغ بدهی کنند، در

$$P = \frac{800}{(1+r)^1} + \frac{1000}{(1+r)^2} + \frac{1200}{(1+r)^3} + \frac{1500}{(1+r)^4}$$

خلاصه:

در این مقاله سعی شد برخی از ابزارهای مالی مورد استفاده در کشورهای غربی معرفی شوند. دلیل پیچیده خواندن این گونه ابزارهای مالی بدین سبب است که برخی از آن‌ها ابداعی بوده و استاندارد حسابداری خاصی برای گزارش‌گری آن‌ها وجود نداشته است. بنابراین شرکت‌ها می‌توانستند با استفاده از چنین ابزارهایی به حسابداری ساختگی بپردازند. در این مقاله انواع ابزارهای بدهی و پیوندی، بدهی دائمی مورد بررسی قرار گرفت و مثال‌هایی برای هر یک ارائه شد. استانداردهای حسابداری کشور انگلستان (۴-FRED، FRS) در مورد این قبیل ابزار نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

سال منتهی به	مانده بدهی ابتدای سال	هزینه تأمین مالی	وجه پرداخت شده	مانده بدهی پایان سال
۲۰۰۳/۱۲/۳۱	۱۰۰۰	۷۷	۳۰۰	۷۷۷
۲۰۰۴/۱۲/۳۱	۷۷۷	۶۰	۳۰۰	۵۳۷
۲۰۰۵/۱۲/۳۱	۵۳۷	۴۱	۳۰۰	۲۷۸
۲۰۰۶/۱۲/۳۱	۲۷۸	۲۱	۳۰۰	-

در این مثال با استفاده از روش واسطه‌یابی خطی نرخ هزینه تأمین مالی سالانه در حدود ۷/۷٪ محاسبه می‌شود. در این مثال ما به نرخ توزیلی احتیاج داریم که در نهایت ارزش فعلی کلیه عواید حاصله را برابر با یک میلیون پوند کند.

$$\left[\frac{(1+i)^n - 1}{i + (1+i)^n} \right]$$

مانده بدهی ابتدای سال \times نرخ تأمین مالی = هزینه تأمین مالی

اوراق قرضه با نرخ بهره پلکانی

برای تشریح این نوع اوراق قرضه، شرکتی را فرض کنید که در اول

ژانویه ۲۰۰۳ اوراق قرضه‌ای ۴ ساله به مبلغ یک میلیون پوند صادر می‌کند که نرخ بهره آن برای سال اول معادل

۸٪ برای سال دوم ۱۰٪، برای سال سوم ۱۲٪ و برای سال آخر ۱۵٪ است. چنانچه فقط نرخ کوپن‌های بهره را مدنظر قرار دهیم، هزینه بهره پایینی برای سال‌های ابتدایی و هزینه بهره نسبتاً زیادی برای سال‌های پایانی به حساب خلاصه سود و زیان منظور می‌شود. در این مثال هزینه‌های تأمین مالی به صورت زیر محاسبه می‌شود.

(ارقام به هزار پوند)

سال منتهی به	مانده بدهی ابتدای سال	هزینه تأمین مالی	وجه پرداخت شده	مانده بدهی پایان سال
۲۰۰۳/۱۲/۳۱	۱۰۰۰	۸۰	۱۰۰	۹۲۰
۲۰۰۴/۱۲/۳۱	۹۲۰	۹۲	۱۰۰	۹۱۲
۲۰۰۵/۱۲/۳۱	۹۱۲	۱۱۲	۱۰۰	۹۲۴
۲۰۰۶/۱۲/۳۱	۹۲۴	۱۳۲	۱۱۰	-

در این مثال نرخ بهره سالانه با استفاده از تکنیک رابطه‌یابی خطی به طور تقریبی حدود ۱۰/۹۵٪ به دست می‌آید که فرمول آن به شرح زیر می‌باشد:

برای بدهی‌های ثابت، معمولاً یک نرخ بهره نسبتاً قابل توجهی برای چند سال اول پرداخت می‌شود و پس از آن هیچ بهره‌ای به بستانکاران پرداخت نمی‌شود و در صورتی که دارنده این بدهی‌ها نتوانند شرکت قرض‌گیرنده را ملزم به پرداخت مبلغ بدهی کنند، در پایان تاریخ سررسید ارزش بدهی صفر ریال می‌شود.



منابع انگلیسی:

- Accounting of Financial Assets and Financial Liabilities, IASC, March 1997, Chapter 2, para. 3.1
 ASB Bulletin Issue No. 39, July 1993.
 ASB Discussion paper, Accounting for Capital Instruments, Appendix 3. Davies Milk, Ron Paterson and Al-lister Wilson, (1997), UK GAAP (Generally Accepted Accounting Principles in the United Kingdom, Fifth Edition, Macmillan.
 ED48, Financial Instruments, IASC, January 1994, para. 40.
 FRS 4, Capital Instruments, ASB, December 1993, para. 2.
 IAS 32, Financial Instruments: Disclosure and Presentation, IASC, March 1995.
 The draft statement of principles, ASB, November 1995, para. 3.21.

صورت‌های مالی وسیله گزارش‌گری اطلاعات شرکت‌ها هستند و واحدهای تجاری باید به وسیله صورت‌های مالی اطلاعاتی را افشا کنند که استفاده‌کنندگان قادر شوند به ارزیابی اهداف شرکت‌ها، خط‌مشی‌ها و استراتژی‌های نگاه‌داری و انتشار ابزارهای مالی بپردازند.

